

نقد و بررسی اخبار مربوط به مطلق بودن امام حسن مجتبی (ع)

اصغر منتظرالقائم^۱

شبیم السادات هاشمی فشارکی^۲

چکیده

یکی از ابعاد قابل توجه در زندگی شخصیت های بزرگ اسلام به شمار می‌روند، بررسی حیات خانوادگی آنهاست. حسن بن علی (ع) امام دوم شیعیان یکی از قهرمانان بزرگ تاریخ اسلام هستند که در دوران امامت ده ساله خود، نقش مهمی در دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشتند. درباره شرایط پیمان با معاویه و مبارزه با تحریقات و انحرافات فرهنگی و زندگی خانوادگی و همسران آن حضرت، روایات و دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است، از جمله نسبت به تعداد همسران، فرزندان و نسبت ناروای مطلق از سوی مورخان و محدثان به آن حضرت داده شده است. ولی باید دید آیا براساس امام حسن مجتبی (ع) دارای همسران متعدد بوده اند یا این موضوع مثل بسیاری از موضوعات تاریخی به مرور ایام به وسیله دوستان ناآگاه و دشمنان مغرض شاخ و برگ پیدا کرده است و به صورت مبالغه آمیزی در آمده است؟ در این پژوهش با مطالعه تاریخی با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخ اسلام و کتب رجالی سعی شده است به این سؤال پاسخ داده شود که: چگونه امام حسن مجتبی (ع) دارای همسران بسیاری بوده و اخبار مربوط به دهها یا صدها همسر به چه صورت است؟ چگونه می توان نسبت مطلق بودن به آن حضرت را پذیرفت؟ چه کسی یا کسانی برای نخستین بار این نسبت را به امام حسن (ع) داده‌اند؟

کلید واژگان: امام حسن (ع)، همسران، فرزندان، مطلق.

^۱. استاد دانشگاه اصفهان. montazer5337@yahoo.com

^۲. پژوهشگر شیعه شناسی دانشگاه اصفهان. sh.hashemifesharaki@yahoo.com

Criticizing The news About Imam Hassan (Peace be upon him) Wive

Abstract

One of the considerable aspects in the lives of great characters who are in away role model in Islam society is studding their familial lives . Hassan ebn Ali (Peace be upon him) the second Imam of Shiite is a great hero of Islam history who had an important with Moavieh and combating cultural garbles and corruptions and familial lives and wives of that sainthood different tradition and views are discussed. Also in relation to the number of wives progeny and divorces he is defamed by historian and relaters but it should be investigated did Imam Hassan really had many wives or this subject like many other historical subjects gradually and by unaware friends and despiteful anomies has developed in a superlative way. In this study by a historical inquiry in a descriptive and analytical way and by using sources Islam history and Regal book (books personages) attempt is put to answer these questions that: Did Imam Hassan has many wives and how is the news about tens or hundreds of wives? Can we accept attributing many divorces to him? Who was the first one (or first people) who accused Imam Hassan to many divorces?

Key words: Imam Hassan , wives , progeny , divorces.

مقدمه

دشمنان اهل بیت و کسانی که ادعای دوستی اهل بیت (ع) را دارند، هرکدام در برخورد با زندگی امام حسن (ع) به بازگویی مطالبی پرداخته‌اند که بازگویی آن از سوی دشمنان اسلام باعث مخدوش شدن سیمای نورانی امام حسن مجتبی(ع) در میان جوامع اسلامی شده است. دوست نماهایی هم هستند که هرگز پی به حقیقت شخصیت والای آن حضرت نبرده‌اند و نتوانسته‌اند در مورد شأن و موقعیت امام حسن (ع) اخبار صحیحی را به جامعه عرضه کنند و با این وجود به قضاوت در مورد شخصیت امام حسن (ع) پرداخته‌اند. از جمله اخبار نادرست در مورد ایشان درباره پیمان آن حضرت با معاویه و تعداد همسران و فرزندان و طلاق‌های آن حضرت است و از سوی دیگر تعداد شگرف ازدواج‌های آن حضرت را دست آویزی برای خود قرار داده‌اند، چرا که دشمنان با قلمداد کردن شخصیت امام حسن (ع) به عنوان فردی خوشگذران و کسی که برای رسیدن به بزم، رزم را رها کرد و تن به صلح داد سعی در مخدوش کردن شخصیت نورانی ایشان داشته‌اند، در این میان عده‌ای دوست نما نیز با اذعان به اینکه این امر باعث کسر شأن امام نیست با دلایل نادرست خود دشمن را یاری رسانده‌اند. دشمنان اهل بیت (ع) در طول تاریخ برای رسیدن به آمال خود از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته عبارتند از :

۱- طبسی (۱۳۸۲) در مقاله تحت عنوان امام حسن مجتبی (ع) و افسانه طلاق به تحقیق پیرامون طلاق هایی که به حضرت نسبت داده‌اند پرداخته شده و از مباحث روایی نیز استفاده شده است.

۲- ایمانی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان تعداد همسران و فرزندان امام حسن (ع) به تحقیق پیرامون زندگی آن حضرت و ازدواج و طلاق‌های منسوب به امام حسن (ع) پرداخته است. ولی این پژوهش با تأکید بر بحث روایی و به صورت مفصل‌تر صورت گرفته است.

نقد و بررسی نظریات مختلف در مورد تعدد همسران امام حسن (ع)

بعضی از دانشمندان این خبرها را درست می‌دانند و از جنبه اسلامی اشکالی برای آن نمی‌بینند و برخی دیگر این اخبار را دروغ و مجعول دانسته‌اند (قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵) و بهتر است که ما دلایل هر دو گروه را بررسی کنیم، تا صحت و سقم هر کدام معلوم گردد.

نظریه اول: موافقان تعداد زیاد همسران امام

موافقان این نظریه به دلایلی استناد کرده‌اند که در ادامه مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرند:

۱- از لحاظ شریعت اسلام مانعی برای تعدد زوجات وجود ندارد و اسلام چنین کاری را جایز دانسته است، همچنین در تأیید این امر، این سخن حضرت رسول اکرم (ص) که مردم را به ازدیاد فرزند تحریص می‌فرمود مشهور است که می‌فرمودند: «تناکحوا تکثروا انی اباهی بکم الامم یوم القیامه ولو بالسقط». ازدواج کنید تا فرزندان زیاد گردد. من روز قیامت بر زیادی امتم افتخار می‌کنم گرچه کسانی باشند که در رحم مادرانشان مرده باشند» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۰۰: ۲۲۰).

۲- امام از آن جهت زنان فراوانی گرفت تا وابستگان زیادی پیدا کند و قدرت و حشمت یابد و در برابر بنی امیه که برای نابودی بنی هاشم و در هم شکستن قدرت آنها تلاش می‌کرد نیروئی بیابد (قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵۲).

۳- در آن زمان پدران، دختران خود را به امام عرضه می‌داشتند و اصرار می‌کردند که امام آنها را بگیرد تا بدین وسیله شرافتی پیدا کنند و به فرزند پیامبر که سبط اکبر و پیشوای جوانان اهل بهشت است تقرب جویند. آنها می‌دیدند وقتی ابوبکر که از مردم عادی عرب بود دخترش عایشه را به رسول خدا (ص) داد به مقام و شرفی بزرگ رسید و مقام والایی در میان مسلمانان پیدا کرد، آنها هم دخترانشان را به امام پیشنهاد می‌کردند تا به افتخار خویشاوندی با رسول خدا (ص) نائل شوند (قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵۲).

تحلیل مطلب: دو دلیل اول موافقان ازدواج‌های امام حسن (ع) در این نظریه زیاد شدن تعداد مسلمانان و قدرت و حشمت ایشان است در صورتی که این دلایل دارای اشکال است و مثل این است که ما خود داریم این اتهامات را به امام حسن (ع) می‌زنیم و بعد با این دلایل آنها را توجیه می‌کنیم. در حالی که اول باید صحت و سقم کثرت ازدواج‌ها مشخص شود بعد دلایل آن بررسی گردد. همچنین این دلایل اگر چه با ظاهر اسلامی پوشیده است ولی می‌تواند در جهت خواسته‌های

نفسانی افرادی باشد که به این شکل و با نسبت دادن این گونه افعال به امام، می‌خواهند اعمال نفسانی خود را شرعی و الهی جلوه دهند. اما دلیل سوم را اینگونه رد می‌کنیم که بر فرض بعضی پدران دختران خود را برای چنین مقاصدی به امام پیشنهاد می‌کردند ولی نمی‌توان پذیرفت که امام نیز هر نوع درخواستی را پذیرفته باشند.

نظریه دوم: مخالفان تعداد زیاد همسران امام حسن (ع)

کسانی که این مسئله را نفی کرده‌اند، چند دلیل می‌آورند که در ادامه ذیل چند قسمت بررسی می‌گردد:

۱ - کراهت شرعی طلاق

طرفداران کثرت زنان امام حسن (ع) می‌گفتند که امام زنا نشان را پس از مدت کوتاهی طلاق می‌دادند در صورتی که اسلام، طلاق را نمی‌پسندد و مبعوض می‌دارد و روایات فراوان درباره ناپسندی طلاق آمده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

« ما من شیء احب الی الله من بیت یعمر بالنکاح و ما من شیء ابغض الی الله من یخرب فی الاسلام بالفرقه: هیچ چیز در پیشگاه خدا محبوب تر از خانه ای که به ازدواج، آباد شده باشد نیست و هیچ چیز در پیشگاه خدا منفورتر از خانه ای که در اسلام، به جدایی و طلاق ویران شود نیست» (حرعاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۶: ۲۶۶-۲۶۷).

« ما احل الله شیئاً ابغض الیه من الطلاق: مبعوض ترین حلال نزد خداوند طلاق است» (حرعاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۶: ۲۶۷).

« تزوجوا ولا تطلقوا فان الطلاق یهتز منه العرش: ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق عرش را می‌لرزاند» (حرعاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۶: ۲۶۸).

تحلیل مطلب: با وجود چنین سفارشات در مورد کراهت طلاق چگونه ممکن است که امام زنا نشان را رها کرده و حتی در این باره زیاده روی نمایند. خدای تعالی موقع ازدواج از مرد پیمان می‌گیرد که «فامساک بمعروف او تسریح باحسان: یعنی من عهد و پیمان می‌بندم که از همسرم خوب نگهداری کنم و وقتی به دلایل شرعی بنا بر طلاق او شد، به نیکی و احسان او را طلاق دهم» (بقره ۲۲۹). با وجود چنین فرمایشاتی چگونه ممکن است نوه پیامبر و دست پرورده آن حضرت به چنین عملی، آن هم به کرات و بدون دلایل شرعی بپردازد؟ در حالی که می‌دانیم حضرات معصومین (ع) مرتکب مکروهات نمی‌شدند.

۲ - منافات با روش امام

بدیهی است که امام، بردبارترین مسلمانان و نمونه برتر اخلاق نیکو هستند و روشن است که طلاق با چنین اخلاقی مخالف است زیرا دل زن را می‌شکند و شخصیتش را خوار و ناچیز می‌کند و این

کار با روش امام مغایر است. زیرا امام، اشتیاق فراوان دارد که مردم را شادمان سازد و از هر گونه بدی و اذیت و آزاری نسبت به انسان‌ها برکنار و مبری است (قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵۷).

۳- بی رغبتی امام به دنیا و تعلقات آن

امام حسن (ع) بیشتر اوقات خود را به پرستش پروردگار و تعبد و تهجد می‌گذراند و همیشه به خدمت مردم و اصلاح کار آنها مشغول بود تا به مردم خیر و سعادت برساند و آنها را از بدبختی و گمراهی برهاند در این صورت برای او وقتی باقی نمی‌ماند که بخواهند با تعداد زیادی زن معاشرت نمایند (قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵۸).

دلایل نقلی رد ازدواج های امام حسن (ع)

در این قسمت روایات مربوطه بیان شده و سند آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا قبول هر روایتی به چنین بررسی‌هایی نیازمند است، راویان در مورد تعداد زنان امام، اختلاف فراوانی دارند بعضی تعداد آنها را هفتاد، بعضی نود، عده ای دویست و پنجاه و بالاخره گروهی سیصد نفر می‌دانند.

۱- روایت علی بن عبدالله بصری:

اولین راوی علی بن عبدالله بصری مشهور به مدائنی است که در سال ۲۲۵ هجری وفات کرده است. او نقل می‌کند: «کان الحسن کثیرا التزویج... وقال احصى زوجات الحسن فکن سبعین امراه: حسن بن علی بسیار ازدواج می‌کرد وقتی همسرانش را شمردند به هفتاد تن رسید» (مجلسی ۱۳۹۲، ج ۴۴: ۱۷۳).

مدائنی چنین روایت کرده است: گفته اند {بلغنا} هرگاه حسن (ع) می‌خواست یکی از زنان خود را طلاق دهد، کنارش می‌نشست و می‌فرمود: آیا اگر چنین و چنان چیزی به تو بدهم خوشنود می‌شوی، آن زن یا می‌گفت هر گونه که میل توست و یا می‌گفت بلی؛ و حسن (ع) می‌گفت آن برای تو فراهم است و چون از کنار او برمی‌خاست و می‌رفت آنچه را نام برده بود، همراه طلاق نامه اش برای او می‌فرستاد (بلاذری، ۱۳۰۰، ج ۳: ۲۰) قابل ذکر است که وقتی مدائنی روایتی را بدون سند می‌آورد از واژه ((بلغنی)) یا ((بلغنا)) استفاده می‌کرد.

وقتی به بررسی شخصیت مدائنی در تاریخ می‌پردازیم به نتایجی می‌رسیم که در زیر بیان می‌گردد:

۱- این شخص در نقل روایات ضعیف بوده چنانکه مسلم در صحیحش از او خبری نیاورده است (ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۳۸۳).

۲- ابن عدی هم در کتاب کامل، او را ضعیف دانسته و درباره اش گفته است، او در نقل حدیث، قوی نبوده و روایاتی که آورده سند درستی نداشته است (عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۲۵۲).

۳- اصمعی به او گفته است: «تو اسلام را به پشت سر انداختی» (ذهبی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۳۹).

تحلیل مطلب: با توجه به این سخنان می‌توان به این نتیجه رسید که مدائنی در نقل حدیث قوی نبوده و احادیثی را که او آورده قابل اعتماد نیست دیگر اینکه او موالی سمره بن حبیب اموی بوده و

بدین لحاظ در جهت نشر افکار ارباب خود حرکت کرده و مانند سمره از دشمنان اهل بیت (ع) بوده است. مسلماً او احادیث را در ذم اهل بیت (ع) به کار برده است.

۲- روایت ابوطالب مکی:

روایت دوم از علامه مجلسی (مجلسی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۰: ۱۷۳) و ابن شهر آشوب (أشوب، بی تا، ج ۲: ۲۴۶) است.

آنها نقل کرده‌اند که این روایت را از کتاب قوت القلوب ابوطالب مکی که در سال ۳۸۶ هجری در گذشته گرفته‌اند. ابوطالب مکی روایت کرده است: «انه تزوج مأتین و خمسین امرأه و قیل ثلثماتة و کان علی یضجر من ذلک حسن بن علی (ع) دو بیست و پنجاه زن گرفت و گفته می‌شود که سیصد زن اختیار کرد، علی (ع) از این کارهای پسرش دلتنگ بود از پدرهای این زنان که حسن آنها را طلاق می‌داد شرم می‌کرد».

ابوطالب مکی کسی است که هرگز نمی‌توان به گفتارش اطمینان کرد زیرا او مردی بود که عرقهای گیاهی را می‌خورد و به حدی در این باره افراط می‌کرد که رنگ پوستش سبزه شده و به بیماری هیستری مبتلا شده بود (قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵۶). از رفتار استثنایی او چنین نقل می‌کنند که در بستر مرگ به یکی از دوستانش گفت «اگر می‌خواهید عاقبت به خیر باشم بر جنازه ام خرما و مغز بادام بریزید». دوستش گفت: علامت آمرزش تو چیست؟ گفت: اینکه در دامان تو جان بدهم و به هنگام مرگ در دامان دوستش به سختی فراوان جان سپرد و رفیقش هم بنا به وصیتش بر جنازه او خرما و بادام پاشید (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۸۵). همچنین ابوطالب مکی در کتاب خود آورده است: حسن به رسول خدا (ص) شباهت داشت و در اخلاق و خلقت، نظیر آن حضرت بود و پیامبر به او می‌فرمود تو در اخلاق و آفرینش مانند منی و می‌گفت حسن از من است و حسین از علی، و گاهی بود که حسن چهار زن می‌گرفت و چهار زن را طلاق می‌داد (مکی، ۱۳۱۰، ج ۲: ۲۴۶).

تحلیل مطلب: ابوطالب مکی در کتاب خود به تخریب شخصیت رسول خدا (ص) و امام حسن (ع) پرداخته است و با شبیه دانستن امام حسن (ع) به رسول خدا (ص)، در ابتدا شخصیت رسول خدا (ص) را به عنوان فردی نفسانی نشان داده و در ادامه نیز امام حسن (ع) را پیرو ایشان داشته و به این شکل چهره پیامبر و خاندان او را مخدوش کرده و حتی این اعمال را به صورت یکی از ویژگی‌های این خاندان جلوه داده است.

۳- روایت عبدالله بن سنان:

عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است: «ان علیا قال وهو علی المنبر: لا تزوجوا الحسن فانه رجل مطلق. فقام رجل من همدان. فقال: بلی والله لتزوجنه وهو ابن رسول (ص) و ابن امیرالمؤمنین فاین شاء امسک و ان شاء طلق: علی بن ابیطالب در حالی که روی منبر بود فرمود: حسن زنهایش را طلاق می‌دهد به او زن ندهید. یکی از مردان قبیله همدان برخاست و گفت: ای امیرالمؤمنین! به خدا قسم هر کس را بخواهد به او می‌دهیم تا هر کدام را می‌خواهد نگه دارد و هر

یک را که نمی‌خواهد رها کند» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۵۶). اما در بررسی سلسله سند این حدیث که از عبدالله بن سنان نقل شده، به دو نفر از راویان حدیث به نام های حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه می‌رسیم که هر دو از واقفیه هستند، بنابراین این حدیث محل اعتماد نیست. به هر صورت هیچ دلیلی در مورد فراوانی زنان امام جز روایات مدائنی و ابوطالب وجود ندارد و هیچ اعتمادی هم به این اخبار ساختگی نیست.

دلایل عقلی جعلی بودن این روایات عبارتند از: ۱- امام علی (ع) هیچگاه بر منبرکه نوعی مجمع عمومی است شخصیت پسرش را که از اهل بیت است تخریب نمی‌کند. ۲- حسن بن علی (ع) به عنوان شخصیتی گرانقدر و معصوم چگونه ممکن است خطایی کند چه رسد به اینکه پدرش بر منبر بخواهد او را از آن برحذر دارد.

دلایل عقلی رد ازدواج های امام حسن (ع)

۱- اگر کثرت زنان امام درست باشد بایستی آن حضرت فرزندان بسیاری داشته باشد. ابن شهر آشوب در کتاب مناقب (آشوب، بی تا، ج ۲: ۱۶۲) تعداد فرزندان امام را سیزده پسر و تنها یک دختر می‌داند. یعقوبی می‌گوید ایشان هشت پسر داشتند. تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۱۶) شیخ مفید در ارشاد فرمود: اولاد حسن بن علی (ع) از ذکور وانات پانزده تن بودند (مفید، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۷۶). مادلونگ در کتابش بیان می‌دارد: طبق روایات معتبر، حسن (ع) دارای ۷ یا ۸ پسر و ۶ دختر بوده است. این رقم، طبق معمول خانواده های اشراف قریش، قبل و بعد از اسلام رقمی عادی بود و بیش از فرزندان عثمان یا مروان نبود (مادلونگ، ۱۳۸۵: ۴۶۸). با توجه به اعدادی که برای تعداد فرزندان امام حسن (ع) بیان شده است، برخی تعداد همسران امام حسن (ع) را ۸ تا ۱۰ نفر آورده‌اند. با توجه به این که ام ولدهایش داخل در همین عدد است (راضی، ۱۳۵۱: ۲۵). مادلونگ نیز معتقد است تعداد زنان امام حسن (ع) از تعداد زنان عثمان اموی هم کمتر است (مادلونگ، ۱۳۸۵: ۴۶۸).

مبحث ذیل در عنوان فرزندان امام حسن (ع) و زنان منتسب به ایشان بررسی می‌گردد.

فرزندان امام حسن (ع)

فرزندان اول و دوم و سوم ایشان زید بن حسن و دو خواهر او ام‌الحسن و ام‌الحسین و مادر این سه تن ام بشیر، دختر ابی مسعود عقبه خزرجی است. ابوالحسن زید بن الحسن که فرزند اول امام حسن (ع) است. شیخ مفید درباره او فرموده، که او متولی صدقات رسول خدا و فردی جلیل‌القدر، کریم‌الطبع، طیب‌النفس و کثیر‌الاحسان بود و شعرا او را مدح نموده و در فضایل او بسیار سخن گفته‌اند و مردم به جهت طلب احسان او، از آفاق قصد خدمتش می‌نمودند، چون سلیمان بن عبد الملک بر مسند خلافت نشست. زید را از تولیت صدقات عزل کرد و دیگری را متولی ساخت. آنگاه که خلافت به عمر بن عبدالعزیز رسید. باردیگر تولیت صدقات را به زید تفویض کرد، او نود

سال عمر کرد. زید بن حسن در منطقه بطحاء ابن‌ازهر در چند میلی مدینه در گذشته بود و جنازه-اش را به مدینه آوردند و پیکر را به خانه اش در محله بنی حدیله بردند و غسل دادند و سپس بر سریر نهادند و به سوی بقیع بردند. خواهرش ام‌الحسن به عبدالله بن زبیر شوهر کرد و چون عبدالله را کشتند خواهر خود را برداشته از مکه به مدینه آورد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵: ۲۴۴).

چهارمین فرزند امام حسن (ع) حسن بن حسن بود که او را حسن مثنی می‌گفتند. مادر او خوله، دختر منظور فزاریه است. حسن مثنی در کربلا در ملازمت رکاب عموی خود حضرت امام حسین (ع) حاضر بود و چون آن حضرت شهید شد و اهل بیت آن حضرت را اسیر کردند، حسن نیز دستگیر شد. اسماء بن خارجه فزاری که خویش مادری حسن بود او را از میان اسیران اهل بیت بیرون آورد و گفت به خدا قسم نمی‌گذارم که به فرزند خوله بدی و سختی برسد. عمر سعد نیز امر کرد که حسن را به فرزند خواهر ابی حسان واگذارید و این سخن را از آن جهت گفت که مادر حسن مثنی خوله از قبیله فزازه بود. چنانچه ابوحسان که اسماء بن خارجه است نیز فزاری و از قبیله خوله بود. بر طبق بعضی اقوال، حسن در آن زمان جراحت زیادی در بدن داشت. اسماء بن خارجه، او را به کوفه برد و زخمهای او را مداوا کرد تا صحت یافت و از آنجا روانه مدینه شد و حسن، داماد حضرت سید الشهداء (ع) بود و با فاطمه دختر عموی خود ازدواج کرده بود. حسن در سن سی و پنج سالگی در مدینه وفات کرد و او را در بقیع به خاک سپردند. فاطمه همسرش بر قبر او خیمه بر افراخت و یک سال به سوگواری او نشست (مفید، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵).

فرزندان پنجم و ششم و هفتم امام حسن (ع) عبارتند از: عمر بن الحسن و دو برادر او قاسم و عبدالله، مادر ایشان ام ولد است. عمر و قاسم و عبدالله در کربلا ملازم رکاب عموی خود امام حسین (ع) بودند. شیخ مفید فرموده که ایشان در خدمت عموی خود شهید گشتند. ولی بعضی از مقاتل بیان می‌دارند که عمر بن الحسن کشته نشد بلکه همراه اهلبیت اسیر شد. قاسم بن حسن بن علی، نوجوان شهیدی است که صاحب سخن مشهور «احلی من العسل» در شب عاشورا است او کسی است که مرگ در راه خدا را از عسل گواراتر می‌داند. حمید بن مسلم گزارشگر سپاه پسر زیاد درباره قاسم چنین می‌گوید: او نوجوانی بود که گویا صورتش پاره ماه بود، به سوی ما آمد. شمشیر در دستش بود و پیراهن و بالاپوشی بر تنش و نعلینی در پاهایش بود که بند یکی از نعلها -نعل پای چپ- باز بود ایستاد تا آن را ببندد. عمر سعد به نفیل از دی گفت: به خدا قسم براو بسیار سخت می‌گیرم. گفتم: سبحان الله! با این کار چه می‌خواهی؟ آنانی که اطرافش را گرفته‌اند او را کافی است. دوباره گفت: والله بر او سخت می‌گیرم! هنوز عمر رویش را بر نگردانده بود که نوجوان بر زمین افتاد و فریاد زد: ای عموا! (اصفهانی، ۱۴۰۵: ۸۹).

عبدالله بن حسن بن علی، همان کودک یازده ساله‌ای است که در عصر عاشورا وقتی دید عمویش سیدالشهداء بر زمین افتاده است. از خیمه زن‌ها بیرون آمد و خود را نزد عمویش رساند. زینب (ع) تلاش کرد که او را برگرداند ولی نتوانست. گفت: به خدا قسم عمویم را رها نخواهم کرد! بحر بن

کعب، شمشیری به سوی امام حواله کرد. نوجوان گفت وای بر تو ای زاده زن ناپاک! عمویم را می‌کشی؟ کعب شمشیرش را براو فرود آورد، نوجوان دستش را سپر کرد، دستش بر پوستش آویزان ماند. نوجوان شیون برآورد: ای مادرم! امام او را گرفت و به سینه چسباند و فرمود: برادر زاده‌ام! بر آنچه پیش آمد صبر کن و بر آن گمان خیر ببر؛ زیرا خداوند تورا به پدران صالحت ملحق می‌کند. (ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۶۸)

فرزندان نهم و دهم و یازدهم امام حسن (ع)، حسین اثرم و طلحه و فاطمه بودند: مادر این هر سه، ام اسحق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی است؛ حسین بن الحسن (ع) اگر چه صاحب فضل و شرف بود. ولیکن از وی ذکری و حدیثی نشده است. حسین ملقب به اثرم است و اثرم به کسی گویند که دندان ثنایای او ساقط شده باشد یا آنکه یکی از چهار دندان پیش او شکسته باشد. طلحه بن حسن (ع): بزرگ مردی بوده که به جود و بخشش معروف و مشهور بود و او را طلحه الجود می‌گفتند، او یک تن از آن شش نفر طلحه است که به جود و بخشش معروف بودند (قمی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۵۶).

بقیه فرزندان امام چهاردختر بودند به اسامی ام عبدالله، فاطمه، ام سلمه و رقیه. با نگاهی به زندگانی فرزندان امام حسن مجتبی (ع) که تعدادی از آنها در واقعه عاشورا شهید شدند و تعداد دیگری از آنها نیز عمر خود را با سلامت نفس به پایان رساندند می‌توان به این نتیجه رسید که فرزندان ایشان از خاندانی پاک و مقدس متولد شدند و در همین خاندان نیز تربیت و رشد پیدا کردند.

۲- از موارد دیگری که نادرستی این اخبار را تأیید می‌کند، نوشته اباجعفر محمد بن حبيب متوفی سال ۲۴۵ هجری است که در کتابش به نام الْمُحْتَبَر برای امام، فقط سه داماد ذکر کرده است، یکی از آنان امام علی بن الحسین (ع) است که ام عبدالله، دختر آن حضرت را به زنی گرفت. ام عبدالله، در میان دختران امام حسن (ع) به جلالت و عظمت شأن و بزرگواری ممتاز بود و امام محمد باقر (ع) پسر ایشان و امام سجاد (ع) همسرشان می‌باشند داماد دیگر امام حسن (ع)، عبدالله بن زبیر همسر ام الحسن و سومی عمرو بن منذر شوهر ام سلمه است (ابی جعفر، ۱۳۱۵: ۵۷). از این سخن، این نتیجه حاصل می‌شود که اگر امام حسن (ع) زنان زیادی داشتند لازم بود که دامادهای فراوانی نیز داشته باشند.

۳- یک خبر مجعول دیگر حاکی است که پس از شهادت امام حسن (ع) گروه زیادی از زنان در تشیع جنازه ایشان با سوگواری و ناله شرکت کردند و می‌گفتند ما همگی زنان آن حضرت بوده‌ایم. نادرستی این خبر هم روشن است زیرا اگر آنها به واقع، زنان امام بودند و از شهادتشان سوگوار و دردمند بوده‌اند چگونه در میان گروه فراوان مردانی که جنازه امام را مشایعت می‌کرده‌اند

به فریاد و گریه می‌پرداختند در صورتی که آنها وظیفه داشته‌اند در پرده عفاف بمانند و از خانه هایشان بیرون نیایند؟

زنان منتسب امام حسن (ع)

۱ - خوله فزاری: خوله دختر منظور بن زبّان بن سیار بن عمرو بن جابر بن عقیل بن هلال بن سمی بن مازن بن فزاره بوده است او از زنان نامور و خردمند و کامل بود که با امام حسن (ع) ازدواج کرد و گفته اند خوله تا سنین پیری با امام بود (ابن عساکر، ۱۴۰۰، ج ۴: ۲۱۶).

۲ - جَعْدَه دخت اشعث بن قیس کندی که لقب او اسماء بود. معاویه او را فریب داد و گفت، اگر بتوانی حسن را مسموم کنی هزار درهم به تو می‌دهم و تو را به همسری یزید در می‌آورم همین وعده‌ها بود که او را برای اجرای این دسیسه تحریک کرد وقتی جعده این کار را انجام داد معاویه مال را به او داد اما پیغام داد که من یزید را دوست دارم و اگر این نبود، به وعده‌ام وفا می‌کردم و تو را به ازدواج او در می‌آوردم. طبق گواهی گروهی از مورخان پس از شهادت امام حسن (ع) مردی از خاندان طلحه با جعده ازدواج کرد و از او دارای فرزندان شد. هنگامی که میان فرزندان وی و قریشیان مشاجره رخ می‌داد مردم قریش، اولاد او را فرزندان زن شوهرکش خطاب می‌کردند. (مفید، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴)

۳ - عایشه خثعمی: روایت شده است که وقتی حضرت علی (ع) به شهادت رسیدند عایشه خثعمی ابراز شادمانی کرد و به امام گفت خلافت را به تو تبریک می‌گویم. حضرت امام حسن (ع) فرمود: بر مرگ علی (ع) ابراز شادمانی می‌کنی برو که ترا طلاق دادم و تاریخ از این طلاق یاد کرده است. بنا بر دلایلی که در ادامه ذکر می‌شود نقل این طلاق، ساختگی به نظر می‌رسد. اولاً اینکه از امام حسن (ع) بعید است که بدون هیچگونه مقدمه‌ای و بدون توجه به قصد وهدف زن، همسر خویش را به خاطر تهنیت، طلاق دهد. ثانیاً: از نظر فقه اهل بیت، طلاق باید در حضور دو شاهد عادل صورت گیرد در حالی که هیچ یک از این موارد در این طلاق رعایت نشده است (ابن عساکر، ۱۴۰۰، ج ۴: ۲۱۶).

۴ - ام کلثوم دختر فضل بن عباس که امام او را به زنی گرفت و بعد رهایش کرد و ابو موسی اشعری با او ازدواج کرد (عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳: ۲۰۴).

۵ - زنی از قبیله بنی شیبان از خاندان همام بن مره: مدائنی به نقل از عبدالله بن ابی بکر بن محمد بن عمرو انصاری روایت کرده که امام حسن (ع) زنی از بنی شیبان را خواستگاری کرد اما به او گفتند که او بر عقیده خوارج است. امام حسن (ع) فرمود: دوست ندارم اخگری از آتش سوزان جهنم را بر سینه خود بگذارم (بلاذری، ۱۳۰۰، ج ۳: ۱۴).

۶ - ام بشیر دختر ابو مسعود که پسری به نام زید از او به دنیا آمد. این ابو مسعود همان عقبه بن عمرو بن ثعلبه بن اسیره بن عسیره بن عطیه بن جداره بن عوف بن حارث بن خزرج است (ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴: ۸۰).

۷- ام قاسم که یک کنیز بود و نام او را نفیله یا رمله نوشته اند (ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴: ۸۰).
 ۸- ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی که فرزندی به نام طلحه به دنیا آورد. فرزند او یکی از طلحاتی است که به جود معروف بودند و طلحه بن عبیدالله تیمی را طلحه الفیاض می نامیدند (ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴: ۸۰).

۹- ام عبدالله دختر شلیل بن عبدالله از برادران جریر بجلی (ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۴: ۸۰).
 ۱۰- هند دختر سهیل بن عمرو عامر قرشی: امام حسن (ع) در مدینه با او ازدواج کرد. او پیشتر زن عبد الرحمان بن عتاب بن اسید اموی بود که در جنگ جمل کشته شده بود و پس از او همسر عبدالله بن عامر بن گریز شد (بلاذری، ج ۳: ۲۰).

۱۱- حفصه دختر عبدالرحمن بن ابوبکر: امام حسن (ع) در مدینه با او ازدواج کرد. منذر بن زبیر بن غوام دلباخته او بود و تهمت‌هایی بر این زن زد که سبب شد حسن (ع) او را طلاق دهد (بلاذری، ۱۳۰۰، ج ۳: ۲۲).

دلیل تاریخی در رد ازدواج های امام حسن (ع)

پوشیده نیست که کینه و عداوتی که پیوسته از ناحیه بنی امیه و به خصوص ابوسفیان بن حرب، رئیس ایشان، نسبت به پیغمبر رسول خدا (ص) و خاندان وی وجود داشت تا زگی نداشت بلکه این کینه و دشمنی امری قدیمی و ریشه دار بود. ابن عبدالبر در کتاب «الاستیعاب» به تاریخ زندگی ابوسفیان پرداخته و در حقیقت او را رسوا کرده و می گوید: وی از روزی که اسلام اختیار کرد همچنان پشت و پناه منافقین بود و در جاهلیت به زندقه شهرت داشت، زندگی او توأم با نابکاری‌ها و اسلامش به هیچ وجه صحیح نبود. ابوسفیان و پسرش معاویه از جمله کسانی هستند که پیغمبر (ص) در روز فتح مکه بدانها گفت: «بروید که شما آزادشدگانید» (ابوریه، ۱۳۴۳: ۱۳۸).

زمانی که عثمان اموی، عهده‌دار خلافت شد فرصت خوبی برای بنی امیه به وجود آمد چرا که سیاست عثمان اینگونه بود که خویشان خود از طائفه بنی امیه را در کار حکومت دخالت می‌داد و لذا بیشتر عمال خود را از بنی امیه انتخاب می‌کرد. عثمان دایره نفوذ معاویه در امور حکومت را توسعه داده و او را والی کلیه بلاد شام کرد زمانی که عثمان کشته شد، معاویه کینه اموی قدیمی خود را آشکار ساخت و همان طور که ابوسفیان با پیغمبر (ص) معامله نمود، وی نیز با علی رفتار کرد، بدین معنی که پیوسته مردم را علیه علی (ع) تحریک کرده و می‌شوراند، با وی جنگ و ستیز نمود تا آنکه علی (ع) به ناگهانی کشته شد و پس از وی، کار حسن (ع) را نیز به وسیله سم ساخت. چون معاویه بر حکومت تسلط یافت اولین کاری که کرد این بود که به عمال خود در سراسر کشور اسلامی نوشت که علی (ع) را در نماز خود و بالای منابر لعن کنند و شهادت هیچ یک از اهل بیت و پیروان او را نپذیرند و نام کسانی را که اظهار دوستی با علی و فرزندانش می‌کردند از دیوان محو کنند و عطایا و ارزاقشان را ندهد. بعضی افراد از معاویه پیروی نموده و آنچه را می‌خواست انجام

داده و او را برضد علی (ع) یاری می کردند، بعضی از آنها با روایت احادیثی که مستقیماً از پیغمبر نقل می کردند، مقام او و خاندانش را بالا می بردند و از قدر علی (ع) می کاستند مانند ابوهریره و برخی دیگر با کمک های فکری و از راه مکر و فریب دادن مردم به معاویه یاری می رساندند از جمله عمرو بن عاص و فرزندش عبدالله بن عمرو. عمرو بن عاص از هیچ گونه کمک به معاویه حتی جعل حدیث در مذمت علی (ع) و آل ابوطالب دریغ نمی نمود (ابوریه، ۱۳۴۳: ۱۴۰).

معاویه تا قبل از مسلمان شدن، راهزنی کاردان و زیرک بود و چون پس از مدتی به ناچار پای در دایره مسلمانان نهاد همان راهزنی را زیر پوششی از عنوان « مؤلفه قلوبهم » دنبال نموده، همچنان در پی مقاصد و هدف های خویش گام بر می داشت. پر واضح است مکتبی چنین تبهکارانه و ننگین تنها گمراهانی مانند عمرو عاص و زیاد بن ابیه و مغیره بن شعبه و بسر بن اوطاه را می پذیرفت که هر یک به تنهایی کوهی از گناه بر دوش می کشیدند. آنها برای ارضای شهوات و دست یافتن به مقاصد پلید خود، هر نوع عملی را از قتل و غارت و اسارت و هتک ناموس روا و جایز می شمردند. (وحید گلپایگانی، بی تا: ۲۴۶) معاویه چنان شخصیت علی (ع) را تخریب کرده بود که جوانی غسانی در جنگ صفین گفت: به ما گفته شده شما و پیشوایتان نماز نمی خوانید و شما او را در کشتن عثمان همراهی کردید (منتظر القائم، ۱۳۹۱: ۸۲). زمخشری گفته است در ربیع الابرار و سیوطی نیز گفته: بدرستی که در روزگار بنی امیه متجاوز از هفتاد هزار منبر بود که بر فراز آن منابر بنی امیه علی علیه السلام را لعن می کردند، معاویه این سنت را برای بنی امیه قرار داده بود (الاصفهانی، ۱۳۵۳ ش، ج ۱: ۶۸). به درستی که معاویه و سایر بنی امیه علی کرم الله و فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام را دشنام می دادند تا زمان عمر بن عبدالعزیز و او دشنام را منسوخ کرد (جلالی، بی تا، ج ۲: ۱۶۲).

معاویه بعد از شهادت امیر المؤمنین علیه السلام و صلح با امام حسن علیه السلام ادامه داد غلو کشتار را، سخت گیری بر ابرار و جد و جهد زیاد می کرد در ریشه کن کردن دوستان اهل بیت اطهار بدون گناه و سب امیر المؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام بر فراز منابر، گفته شد به معاویه، اینک تو رسیدی به آرزوی خود باز آئی و دست بردار از دشنام دادن به آل محمد (ع)، در پاسخ گفت: هرگز..... باید اطفال آشنا شوند با این دشنام تا برسند به سن رشد و پیران با این دشنام چشم پوشیده بمیرند (مغنیه، ۱۹۹۲: ۷۰).

معاویه چون از تصمیم امام حسن (ع) مبنی بر گوشه گیری در مدینه آگاه شد و دریافت که ایشان برای جلوگیری از ریختن خون مسلمانان کناره گیری کرده نه اینکه معاویه را برای خلافت برتر از خود می دانسته، دیگر علاقه ای به چاپلوسی از امام حسن (ع) نداشت. دستگاه های تبلیغاتی معاویه در شام، با بیان تلویحی این قضیه که امام حسن (ع) برای سرنگونی حکومت توطئه می کند حمله تبلیغاتی علیه او را آغاز کردند و معاویه هم به خوبی می دانست سبب پیامبر (ص) از نظام اموی پشتیبانی اخلاقی نخواهد کرد. در آن زمان تنها فرد هاشمی که از عطایای معاویه نصیبی داشت

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بود که بعد از شهادت علی(ع) و کناره‌گیری امام حسن(ع)، تمام هدف‌های سیاسی را رها کرده بود. او معمولاً به دیدن معاویه می‌رفت و او سالانه مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ درهم به عبدالله بن جعفر می‌پرداخت. او این مبلغ را در ضیافت و دادن صله به شاعران و خوانندگان و مغنیان مدینه صرف می‌کرد. عبدالله بن جعفر نه پیروانی سیاسی داشت و نه مانند ابن عباس، مجالس درس دینی ضد حکومت داشت که تهدیدی برای نظام اموی باشد، بلکه او تصویری بود از یک خویشاوند پیامبر(ص) که معاویه در صدد بود برای مردم ترسیم کند. او می‌خواست به مردم بفهماند که خاندان پیامبر(ص) مردمی بی بند و بار، خوشگذران و زن باره هستند و شایستگی امر جدی حکومت را ندارند، بلکه این امر نیازمند تدبیر و کاردانی خاندانی با شکوه چون امویان دارد(مادلونگ، ۱۳۸۵: ۴۶۶). مدائنی می‌گوید: حصین بن منذر رقاشی می‌گفته است، به خدا سوگند که معاویه به هیچ یک از عهود خود نسبت به حسن وفا نکرد. حجر بن عدی و یارانش را کشت و برای پسرش یزید بیعت گرفت و امام حسن(ع) را مسموم ساخت(ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ق: ۱۱).

پس به گمان قوی با توجه به دشمنی‌های معاویه با حضرت علی(ع) و امام حسن(ع) اولین کسی که مبادرت به ساختن احادیث جعلی و اتهامات ناروا در مورد امام حسن(ع) کرد، خود معاویه سردسته تبهکاران است و بعدها نیز این اتهامات توسط افراد دیگر از جمله منصور بیان شده است. منصور، خلیفه عباسی بود که در سال ۱۳۶ هجری به حکومت رسید. او خاندان بنی‌الحسن را رقیبی در مقابل خود می‌دید و منصور از قیام‌ها و انقلاب‌های آنان دردی فراوان به دل داشت و حکومتش را از انقلاب آنها در خطر می‌دید، بدین جهت تعداد زیادی از آنان را کشت و به زندان انداخت. وقتی که منصور عبدالله بن حسن را دستگیر کرد در برابر مردم خراسان خطبه‌ای خواند و بنی هاشم را ناسزا گفت و نسبت به امیرالمؤمنین و فرزندانش جسارت ورزید و این تهمت را هم به امام حسن(ع) زد(قرشی، ۱۳۵۳: ۵۵۶). او گفت: ما پسران ابی طالب را به خلافت واگذاشتیم و به خدائی که جز او خدائی نیست در کار خلافت با آنها نه کم و نه زیاد معارضه نکردیم، علی بن ابی طالب به خلافت رسید ولی پیروزی نیافت و حکمین را تعیین کرد و آنها به زیانش رای دادند و در میان مردم اختلاف افتاد و پراکندگی به وجود آمد تا اینکه یاران و شیعیان مورد اعتمادش بر او تاختند و او را کشتند، پس از او حسن به خلافت رسید، به خدا قسم او کسی نبود که مالی به او عرضه شود و نپذیرد و معاویه با او دسیسه کرد و گفت خلافت را پس از خود به تو واگذار خواهم کرد و او را از خلافت کنار زد و حسن هم به زنان روی آورد و یک روز زنی می‌گرفت و روز دیگر زنی را طلاق می‌داد تا آنکه در بستری بیماری جان سپرد(مسعودی، ۱۴۰۹، ج: ۳، ۲۶۶).

نتیجه

دشمنان اهل بیت (ع) برای ضربه زدن به خاندان پیامبر(ص) از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند. اموی‌ها و عباسی‌ها که به ویژه نسبت به حسنی‌ها کینه خاصی در دل داشتند در مخدوش کردن چهره امام حسن مجتبی (ع) از هیچ نوع فعالیت دروغ‌نمی‌ورزیدند. آنان با استفاده از اخباریانی که با اهل بیت (ع) دشمنی داشتند و جیره خوار عباسیان بودند به نشر اکاذیب پرداختند و آمارهای غیر واقع در مورد همسران امام وارد تاریخ کردند، ولی با شناخت حقیقی شخصیت امام و وظایف سنگین ایشان در قبال جامعه مسلم می‌شود که چنین افتراهای از ساحت مقدس ایشان به دور است از سوی دیگر بررسی تعداد فرزندان امام حسن(ع) و موارد دیگر چنین اتهاماتی را خنثی خواهد کرد. اختلاف آمار در تعداد فرزندان و همسران امام حسن(ع)، از سوی مورخان مختلف و اینکه هر کدام آمار و اعدادی را مطرح کرده‌اند که با دیگری بسیار متفاوت است نشأت گرفته از دروغ پردازی آنهاست به عنوان مثال در مورد همسران امام حسن(ع) از رقم هفتاد، نود، دویست و پنجاه و حتی سیصد اختلاف وجود دارد. موضوع دیگر اینکه این مطالب از سوی معاویه و منصور و مؤرخینی که به دستگاه حکومتی وابسته بودند منتشر شده است در حالی که با بررسی تاریخ به ارقام نجومی از همسران امام یا فرزندان ایشان مواجه نمی‌شویم و آنچه از فرزندان امام توانستیم در این پژوهش بدست آوریم این است که آنها انسان‌های شریفی بودند که یادار واقعه کربلا شهید شدند و یا عمری با سلامت نفس زندگی کردند، این امر گواه اصالت و شرافت خاندان پاک است که در آن متولد شده و تربیت یافته‌اند بنابراین نام و نشانی از این کثرت اولاد و همسران در لابلای صفحات تاریخ وجود ندارد و از نام‌های همسران و فرزندان امام، تنها تعداد اندکی وجود دارد که این خود دلیلی بر ساختگی بودن ارقام و آماری است که از سوی دشمنان برای مخدوش کردن چهره آسمانی امام مطرح شده است.

منابع

- ۱- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۵ق) شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۰۰ق) المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، حیدر آباد، مطبعه دایره المعارف العثمانیه .
- ۳- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۴۰۶) لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الأعلى.
- ۴- ابن سعد، محمد بن سعد هاشمی بصری (۱۴۱۰) الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر محمد بن علی (بی تا) مناقب آل ابی طالب (ع)، به کوشش محمد حسین دانش آشیانی و سید هاشم رسولی محلاتی، قم، علامه.
- ۶- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷) الملهوف علی قتلی الطفوف، تهران، دارالاسوه.
- ۷- ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵) الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت، دارالکتب العلمیه .
- ۸- ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۰۰) تاریخ عساکر، بیروت، مؤسسه المحمودی.
- ۹- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۵۱ق) البدايه و النهايه، قاهره، مطبعه السعاده.
- ۱۰- ابوریه، محمود (۱۳۴۳) بازرگان حدیث، محمد وحید گلپایگانی، تهران، محمدی.
- ۱۱- ابی جعفر، محمد بن حبیب بن امیر بن عمر (۱۳۱۵ق) المحبر، بیروت، المكتبه التجاری الطباعه والنشر.
- ۱۲- ابو طالب مکی، محمد بن علی (۱۳۱۰ق) قوت القلوب فی معالم المحبوب ووصف طریق المزید الی مقام التوحید، بیروت، احمد البابی الحلبی.
- ۱۳- اصفهانی، ابو الفرج (۱۴۰۵) مقاتل الطالبیین، به کوشش کاظم المظفر، قم، منشورات الرضی.
- ۱۴- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۰۰ق) انساب الاشراف، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۱۵- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۰) وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی، شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- ۱۶- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۶) میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۷- راضی، آل یاسین (۱۳۵۱) صلح الحسن، سید علی خامنه ای، تهران، آسیا.
- ۱۸- قرشی، باقر شریف (۱۳۵۳) زندگانی حسن بن علی، فخرالدین رازی، تهران، بعثت.
- ۱۹- قمی، عباس (۱۳۵۷ق) الکنی و الالقاب، صیدا، مطبعه العرفان.

- ۲۰- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۴) منتهی الآمال، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
- ۲۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸) فروع الکافی، گروه مترجمان، قم، قدس.
- ۲۲- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۵) جانشینی حضرت محمد(ص)، احمد نمایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۲۳- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۲) بحارالانوار الجامعه لدر أخبار الأئمه الأطهار (ع)، تهران، اسلامیه.
- ۲۴- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۰۹) مروج الذهب ومعادن الجوهر، بیروت، مؤسسه دار الهجره.
- ۲۵- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۸) الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه وشرح سید هاشم محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۶- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۱) تاریخ امامت، قم، نشر معارف.
- ۲۷- وحید گلیپایگانی، محمد (بی تا) معاویه سر دسته تبهکاران، تهران، علمی.
- ۲۸- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۸) تاریخ یعقوبی، نجف، مطبعه العربی.